

بررسی مسأله پذیرش سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ یونسکو در مواجهه با اصل علّو اسلامی

محمد مهدی کریمی نیا^۱، حامد شیرینی^۲

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)

^۲ دانش آموخته حوزه و فارغ التحصیل سطح دو (کارشناسی) حقوق از مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی

چکیده

همواره در فقه امامیه حفظ عزّت و استقلال دولت‌های اسلامی در مقابل غیرمسلمانان مورد تأکید قرار گرفته است. ادله فقهی کثیری بر این مهم دلالت دارد که یکی از آنها، حدیث شریف «اَلْاِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ» است که مطابق آن هرگونه پذیرش و التزام به اسناد و پروتکل‌های بین‌المللی باید به نحوی باشد که منجر به سلطه غیرمسلمانان بر جامعه اسلامی نگردد. یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی، سند معروف به ۲۰۳۰ می‌باشد که در کشور ایران هم طرفدارانی داشت. این سند در جوامع اسلامی از مناظر گوناگون مورد بررسی قرار گرفته شده است و اندیشمندان مختلفی این سند را به بوته نقد کشیده اند؛ از جمله مقالاتی که در این زمینه تدوین شده اند می‌توان به مقاله «اصول و قواعد بنیادین فقهی حاکم بر مذاکره» نوشته آقایان مهدی موحدی نیا، علی مظهر قراملکی و سید محمد حسینی، همچنین مقاله حق سلامت و بهداشت عمومی از منظر حقوق بنیادین بشر با تأکید بر سند ۲۰۳۰ یونسکو نوشته آقایان یوسف باقری حامد، مهدی ذاکری امیری، پیمان بلوری و داود هرمیداس باوند و مقاله چالش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با سند توسعه پایدار (۲۰۳۰) نوشته آقای سیدمحمد مهدی غمامی و خانم نیلوفر مقدمی خمami اشاره کرد که به موضوع بررسی این سند پرداخته اند. مقاله حاضر درصدد بررسی این موضوع است که آیا سند توسعه پایدار (۲۰۳۰) از حیث تقنین و موضوع قانون گذاری با مقاد زیبایی که از آینده بشر ارائه کرده است، با آموزه های استبداد ستیز فقه تنافی دارد یا می‌توان این سند را همانند سایر کشورها در جوامع اسلامی نیز اجرا نمود؟ نتایج این پژوهش حاکی از این است که آموزه های اندیشه اسلامی در خصوص تقنین و وضع قوانین در جوامع اسلامی، که از جمله آنها حدیث شریف علّو می‌باشد در تنافی کامل با سند ۲۰۳۰ می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: سند توسعه پایدار، اصل علّو، سند ۲۰۳۰، سلطه

مقدمه

سلطه نداشتن غیرمسلمان بر مسلمان و استقلال مسلمانان یکی از اصول مهم در اندیشه اسلام بوده است که از شاخصه‌های مهم این اندیشه می‌باشد. استقلال اسلام و مسلمانان به اندازه‌ای از اهمیت بوده است که خداوند متعال در آیات و روایات گوناگونی هرگونه تسلط غیرمسلمانان بر مسلمانان را غیرمجاز اعلام کرده است؛ از جمله این دسته از ادله می‌توان به آیه نفی سیبل، حدیث شریف علّو (شیخ صدوق، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۳۴۴) و همچنین اجماع (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۹۱) اشاره کرد. از همین رو، استقلال اسلام و برتری آن بر سایر اندیشه‌ها امری مسلم و غیرقابل انکار است؛ اما آنچه که در این زمینه بر محققان لازم و ضروری به نظر می‌رسد، تطبیق موارد و مصادیق خاص با این دسته از ادله کلی است و از همین رو، در این نوشتار قصد داریم از میان مستندات فوق، به بیان حدیث شریف علّو پرداخته و در میان قواعد بین‌المللی که به عرصه تصویب رسیده اند، سندی که به سند ۲۰۳۰ معروف شده است را با این روایت شریفه مورد بررسی قرار دهیم. از همین رو، در ابتدا به بیان مستندات و مفاهیم مستنبط از این حدیث شریفه پرداخته و در ادامه به بررسی آن با سند ۲۰۳۰ می‌پردازیم.

۱- اصل علّو

اسلام به عنوان اندیشه و مکتبی که عهده دار هدایت و زعامت بشر تا آخرین روز حیات خود بر این گره خاکی است، دستورات متعددی برای انسان داشته است که هر کدام برای بخشی از نیازهای بشر بوده است. یکی از دستورات اسلام، در ارتباط با تبادلات جامعه اسلامی با غیرمسلمانان است که متضمن حفظ استقلال و عزت جامعه اسلامی است. خداوند متعال به حاکمان اسلامی به عنوان کسانی که تنظیم کننده روابط میان جامعه اسلام و غیرمسلمانان هستند دستور داده است که در روابط خود به نحوی رفتار کنند که علّو جامعه اسلامی حفظ شود. یکی از مهم ترین ادله ای که در این زمینه وجود دارد، حدیث شریف علّو است که در این مقاله به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱-۱. مفهوم روایت علّو

یکی از روایاتی که در خصوص ارتباط جامعه اسلامی با غیرمسلمانان وارد شده است، حدیث شریف علّو است. این روایت برای اولین بار در کتب شیخ صدوق نقل شده است که از اولین ناقلان حدیث در تاریخ حدیث شیعه می‌باشد. مطابق این حدیث شریف، اسلام (نسبت به سایر مکاتب و ملل) همیشه برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتری ندارد و کافران به منزله مرده‌ها هستند، مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند. (شیخ صدوق، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۳۴۴).

۱. سوره نساء (۴)، آیه ۱۴۱: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَكُمْ بَكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْكُمْ عَلَيْهِمْ وَنُمْنِعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ منافقان آنانی هستند که نگران و مراقب حال شمايند، چنانچه برای شما فتح و ظفري پيش آيد (برای اخذ غنيمت) گویند: نه آخر ما با شما بوديم؟! و اگر کافران را فتح و بهره‌ای رسد به آنها گویند: نه ما شما را به اسرار مسلمانان آگاه کردیم و شما را از آسیب مؤمنان نگهداری نمودیم؟! پس خدا فردای قیامت میان شما و آنان حکم کند و خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود».

البته باید اشاره کرد که نقل این حدیث شریف منحصر در این منبع و این مُحَدَّث نبوده و منابع دیگر اعم از شیعه و اهل سنت به نقل این حدیث پرداخته‌اند و همچنین بخش پایانی حدیث محل اختلاف نقل‌ها می‌باشد. منابع اهل سنت این حدیث را بدون بخش پایانی آن نقل کرده‌اند و صرفاً این جمله را، بدون قسمت انتهایی آن، نقل کرده‌اند:

«الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ؛ (الدارقطنی، ۲۰۰۴م، ج ۲، ص ۳۷۱)؛

اسلام [از هر مکتبی] بالاتر و والاتر است و هیچ مکتبی بر آن، برتری ندارد».

ولی منابع تشیع به دو دسته تقسیم شده‌اند: برخی همانند شیخ صدوق بخش انتهایی حدیث را نقل کرده‌اند:

«الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ وَ الْكَفَّارُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتَى لَا يَحْجُبُونَ وَ لَا يَرِثُونَ، (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۱۴۲)؛

امام صادق (ع) فرمود: اسلام [از هر مکتبی] بالاتر و والاتر است و هیچ مکتبی بر آن، برتری ندارد و کافر به منزله میت است که حاجب نشده و ارث نمی‌برد».

ولی برخی دیگر مانند منابع اهل سنت صرفاً قسمت اول حدیث را نقل کرده‌اند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۹۱).

۱-۲. بررسی سندی حدیث عُلُوّ

لزوم بررسی سند حدیث از این رو است که بدانیم آیا آنچه که در دست ماست آیا از معصوم (علیه السلام) صادر شده است یا خیر؟ در این زمینه راهکارهای گوناگونی وجود دارد و نتیجه آن اطمینان از صدور یا عدم صدور یک حدیث از معصوم (علیه السلام) می‌باشد، اما یکی از متداول‌ترین روش‌ها بررسی سند و اتصال آن به معصوم (علیه السلام) می‌باشد (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۲).

اما صرف اتصال سندی یا عدم آن نمی‌تواند دلیل بر قبول یا رد یک حدیث باشد. باید توجه داشت که سند حدیث تنها به‌عنوان یکی از ادله انتساب یک حدیث به معصوم (علیه السلام) مورد توجه قرار می‌گیرد و در کنار سند دلالت دیگری همانند محتوا و مضمون یک حدیث، عمل اصحاب و غیره هم می‌تواند در بررسی صدور یا عدم صدور یک حدیث نقش بسزایی داشته باشد، ولی در مقام نتیجه‌گیری، محقق باید به مجموع ادله توجه داشته باشد و با در نظر گرفتن همه دلایل اعم از سند حدیث، محتوا و مضمون آن و غیره حکم به قبولی یا رد یک حدیث صادر کند.

حدیث شریف عُلُوّ هم که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد از این قاعده مستثنی نبوده و برای اطمینان از صدور آن از معصوم (علیه السلام)، باید از لحاظ سندی مورد بررسی قرار گیرد.

این حدیث به لحاظ سند، مُرْسَل (فاقد سند بودن) و ضعیف است. علت ارسال (فاقد سند بودن) آن این است که شیخ صدوق به‌عنوان اولین راوی که این حدیث شریف را نقل کرده است، سلسله سند آن را امام معصوم (علیه السلام) را نقل نکرده است. از همین رو، از منظر سند این حدیث شریف به عنوان یک حدیث مقبول پذیرفته نمی‌شود.

اما برای اعتبار یک حدیث نمی‌توان صرفاً به سلسله سند آن توجه داشت و باید به ادله دیگری که در این زمینه وجود دارد، نیز توجه داشت و زمانی باید حکم به قبولی یا رد شدن یک حدیث داد که مجموع قرائن و ادله مورد بررسی

قرار گرفته باشد. در خصوص حدیث عُلُوّ شواهد و قرائن دیگری دال بر صحت وجود دارد که باعث شده است علما به مضمون آن ولو در فرض ارسال (فاقد سند بودن) عمل کنند دارد.

یکی از ادله‌ای که جبران ارسال (فاقد سند بودن) این حدیث را می‌کند، عمل اصحاب به این حدیث شریفه است. (انصاری، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۱۰).

دلیل دیگری که بر اعتبار این حدیث شریف می‌توان اقامه کرد، نحوه نقل آن از شیخ صدوق است. شیخ صدوق که از نخستین راویان این روایت است، در اعتبار این حدیث و اسنادش به معصوم (علیه السلام) جزم و یقین داشته است؛ چون گفته است «قوله» و تعبیر «رُوی» را به کار نبرده است. بنای شیخ صدوق، این‌گونه بوده است که تعبیر «قوله» را تنها در صورتی استفاده می‌کرده که جزم و یقین به استناد روایت از ناحیه معصوم (علیه السلام) داشته باشد و در این حدیث شریف از همین تعبیر استفاده شده است (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۵۴۴).

با توجه به مجموع قرائن و ادله در خصوص انتساب این حدیث شریف به شخص معصوم (علیه السلام)، علم حاصل می‌شود و از همین رو اندیشمندان تشیع در خصوص این حدیث شریف با ملاحظه ارسال (فاقد سند بودن) آن تعبیری همچون موثوق الصدور (موسوی بجنوردی، ج ۱، بی تا، ص ۱۹۰) و مستغنی از ملاحظه خبر (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۵۲) استفاده می‌کنند و لذا با ملاحظه جمیع ادله و آراء می‌توان گفت حدیث عُلُوّ از ناحیه صدور با وجود ارسال (فاقد سند بودن)، مورد قبول می‌باشد.

۱-۳. بررسی دلالتی حدیث عُلُوّ

این حدیث از دو قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به موضوع استعلاّی اسلام و مداومت آن اشاره می‌کند و بیان می‌کند که احکامی که در اسلام وضع شده است، متضمن برتری اسلام و مسلمانان بر غیرمسلمانان می‌باشد.

در قسمت دوم این حدیث لازمه قسمت اول بیان می‌شود و به صورت صریح بیان می‌شود چون اسلام برتر از سایر ادیان است، هرگونه عمل و رفتار یا قانونی که متضمن استیلاّی غیرمسلمانان بر مسلمان شود، از منظر اسلام مردود می‌باشد (عمیدزنجانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۲-۳۳).

با توجه به آنچه که بیان شد باید گفت این حدیث شریف در مقام بیان وضع یک قاعده کلی است که در تمامی ابواب قابلیت جریان خواهد داشت و از همین رو، بر هیچ قانون‌گذاری در هیچ عرصه‌ای جایز نیست که قاعده و قانونی را به تصویب برساند که متضمن تسلط و برتری غیرمسلمانان بر مسلمانان شود (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۹۰)؛ چرا که عُلُوّ غیرمسلمان بر مسلمان شرعاً حرام است (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۵۲).

از جمله اندیشمندانی که در مقام استنباط احکام به این حدیث شریف استناد کرده‌اند، شیخ انصاری می‌باشند که در کتاب مکاسب ضمن نقل قول مشهور مبنی بر عدم جواز بیع قرآن به کافر به این حدیث استناد کرده است (انصاری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۶۲).

این استناد اختصاص به شیخ انصاری نداشته و قبل از وی بزرگان دیگری همچون شیخ طوسی هم در زمینه عدم تملک کافر نسبت به مسلمان، به این حدیث استناد کرده‌اند. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۶۷)؛ اگرچه برخی معتقدند که این حدیث در مقام بیان حکمی تکلیفی نیست (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۷۲۷-۷۲۵). اما به نظر می‌رسد با بررسی مفهوم این حدیث باید گفت این حدیث شریف در مقام بیان یک حکم تکلیفی می‌باشد و مراعات آن بر تمامی مراجعی که در مقام تصمیم‌گیری هستند اعم از مراجع حکومتی نظام اسلامی سایرین لازم و ضروری می‌باشد. مؤید این نظر، استنباط‌هایی است که از سوی بزرگان علم استنباط همچون شیخ طوسی و شیخ انصاری صورت گرفته است که قبلاً بیان شد.

۴-۱. ارتباط قاعده علو با قوانین و پروتکل‌های بین‌المللی

مطابق آنچه که تاکنون بیان شد، ادله زیادی وجود دارد که مبتنی بر هر کدام هر نوع ارتباط با غیرمسلمانان که منجر به سلطه غیرمسلمانان بر امت اسلام گردد، ممنون و حرام است. یکی از این ادله، حدیث شریف علو است که سند و دلالت آن بررسی شد. مطابق این حدیث شریف در ارتباط میان مسلمانان و غیرمسلمانان، باید ارتباطات به نحوی باشد که اسلام همواره دست بالاتر را داشته باشد و حکومت اسلامی به هیچ‌عنوان اجازه ندارد قانون یا تعهدی را بپذیرد که نتیجه آن تسلط غیرمسلمانان بر جامعه اسلامی شود. باید توجه داشت که عمل به مفهوم این حدیث در نهایت منجر به رشد و بالندگی جامعه اسلامی خواهد شد چرا که با عمل به مفاد این حدیث از یک‌سو هرگونه سلطه و استبداد در جامعه اسلامی ریشه‌کن می‌شود و از سوی دیگر با حفظ عزت اسلام و نظام اسلامی در نهایت به اعتلای ساختار اسلامی در جهان منجر می‌شود. اهمیت و جایگاه این حدیث شریف به‌اندازه‌ای است که در جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان اولین کشوری که بر اساس آموزه‌های فقه شیعه پس از زعامت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بر محوریت ولایت فقیه تشکیل شده است، چند اصل از اصول قانون اساسی به این مهم اختصاص داده شده است. در خصوص ارتباط این حدیث شریف با سند ۲۰۳۰ باید گفت، به‌صورت کلی، احادیث راه‌گشای زندگی بشری هستند و همان‌گونه که در منابع حدیثی تشیع وارد شده است، اهل‌بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) کلیات را به ما داده‌اند و در جزئیات و فروع، ما را ملزم کرده‌اند که با استفاده از آن کلیات، راه مناسب را پیدا کنیم. (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۸، ص ۴۱) یکی از موضوعات مبتلا به در دوران کنونی ما، سند ۲۰۳۰ می‌باشد که مطابق با آموزه‌های تشیع باید با استفاده از اصولی که توسط اهل‌بیت (علیهم‌السلام) به ما رسیده است در خصوص آن نفیاً یا اثباتاً اظهارنظر شود. در این نوشتار قصد داریم با استفاده از حدیث علو که بیانگر یک قاعده کلی در تدوین روابط میان مسلمانان و جامعه غیرمسلمان است و در حقیقت به منزله یک دستورالعمل کلی برای جامعه اسلامی محسوب می‌شود، این سند که

^۲. اصل یکصد و پنجاه و دوم: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.

اصل یکصد و پنجاه و سوم: هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شؤون کشور گردد ممنوع است.

جنبه بین‌المللی دارد را بررسی کنیم و ببینیم آیا این سند مخالفتی با آموزه‌های حدیث علّو دارد که ملزم به ترک آن باشیم و یا اینکه تضادی با مفاد حدیث علّو ندارد و در این صورت اجرای آن برای جامعه اسلامی مجاز خواهد بود.

۲- بررسی سند ۲۰۳۰

سازمان ملل متحد از بدو تأسیس، هدف خود را، حفظ صلح و امنیت و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی است که ممکن است منجر به نقض صلح در جهان شود (بند اول منشور سازمان ملل متحد).

این امر از بدو تشکیل این نهاد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته بود است و سازمان ملل از همان ابتدا بر این بوده است که عدالت و همه‌گستری آن را سر سولوحه خود قرار دهد (همان). در همین راستا بر اساس اختیارات خود اقدام به وضع قطعنامه‌ها و قوانین بین‌المللی کرده است؛ که یکی از آنها سند ۲۰۳۰ می‌باشد. البته باید اشاره داشت که این سند و محتوای آن به یک باره تهیه و به تصویب نرسیده است و در تدوین آن سال‌ها مقدمه وجود داشته است. بیانیه ریو پیرامون محیط زیست و توسعه، اجلاس جهانی سران در مورد توسعه پایدار، اجلاس جهانی سران در خصوص توسعه اجتماعی، برنامه عمل کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه، برنامه عمل پکن و کنفرانس توسعه پایدار سازمان ملل متحد از جمله مقدمات تصویب این سند بوده است. (بند ۱۱ سند توسعه پایدار ۲۰۳۰)

یکی از مهم‌ترین اسنادی که در تدوین سند ۲۰۳۰ نقشی حیاتی داشته است، سند اهداف توسعه هزاره است که به تصریح سند ۲۰۳۰، نقش مقدمه را برای این سند ایفا کرده است نیز در حقیقت زمینه‌ساز اهداف سند ۲۰۳۰ بوده است؛ چرا که سند ۲۰۳۰ در حقیقت جایگزین اهداف توسعه هزاره شده است. (پیشگفتار سند توسعه پایدار ۲۰۳۰). در این سند نیز رهبران جهان در مورد مجموعه‌ای از هدف‌های قابل نیل در زمانی محدود و مشخص و هدف‌هایی برای مبارزه با فقر، گرسنگی، بیماری، بی‌سوادی، نابودی محیط‌زیست و تبعیض علیه زنان توافق کردند.

۲-۱. تعامل سند ۲۰۳۰ با قوانین داخلی

سند ۲۰۳۰ در آذرماه ۱۳۹۵ با حضور وزرای آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری رونمایی شد؛ برخی از خبرگزاری‌های مدعی این بودند که این سند همانند سایر کشورها در ایران هم به مرحله اجرا رسیده است و در مدارس ایران اجرایی شده است.

این در حالی است که خبرگزاری رسمی وزارت آموزش و پرورش به صورت رسمی منکر اجرای این سند در کشور شده است. مؤلفه‌های کلیدی در برنامه آموزش ۲۰۳۰ عبارت‌اند از: برابری و فراگیری بودن، دسترسی برابر، عادلانه و با کیفیت، برابری جنسیتی، کیفیت آموزش و یادگیری مادام‌العمر. همچنین دولت‌ها موظف‌اند تا اهداف جهانی را در

۳. سازمان ملل متحد، هدف‌های توسعه هزاره و نقش سازمان ملل متحد، پرتال مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، تهران، <http://www.unic-ir.org>

۴. پرتال خبرگزاری تسنیم، <https://www.tasnimnews.com>

۵. پرتال رسمی وزارت آموزش و پرورش، <https://medu.ir>

اهداف، سیاست‌ها، طرح‌ها و اقدامات ملی، چرخه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی نظام‌های آموزشی و آماده‌سازی منابع ادغام کنند، (بندهای ۱-۱۷ سند توسعه پایدار ۲۰۳۰).

موضوع تعامل این سند که از جمله اسناد بین‌المللی بوده و توسط مجامع غیر اسلامی تهیه و تدوین شده است، با ادله‌ای که حاکمیت و تسلط غیرمسلمانان بر مسلمانان را ممنوع تلقی کرده است از جمله موضوعات و مباحث محافل علمی بوده و اندیشمندان علوم انسانی اعم از علوم دینی و غیره را به چالشی بزرگ دعوت کرده است.

اندیشمندان تشیع که در خصوص این سند اظهارنظر کرده‌اند و مضامین آن را از جهات گوناگونی مورد نفی قرار داده‌اند، گاه به جنبه‌های آموزش آن توجه داشته‌اند، گاه به جنبه استقلالی و گاه به جنبه‌های دیگر آن، اما در این مقاله مقصود نگارنده با توجه به حدیث شریف علّو می‌باشد که در خصوص بیان دستورالعمل نحوه ارتباط میان کشورهای و دولت‌های مسلمان و غیرمسلمان سخن گفته است و بیان می‌دارد این ارتباط و تعامل باید به نحوی باشد که دولت اسلامی در جایگاه بالاتر قرار گیرد تا استقلال و عزّت کشور اسلامی حفظ شود.

از همین رو، در این مقاله از جنبه‌های آموزشی و فرهنگی سند ۲۰۳۰ چشم‌پوشی کرده و در خصوص موضوع حفظ استقلال و عزّت جامعه اسلامی در مقابل سایر دولت‌ها سخن می‌گوییم و به بررسی تعامل محتوای این سند با حدیث شریف علّو می‌پردازیم.

۱-۱-۲. لزوم پذیرش سازمان‌های بین‌المللی غیرمسلمان به‌عنوان نهاد قانون‌گذاری در کشورهای اسلامی

اولین اصلی که در پذیرش سند ۲۰۳۰ برای کشورهای عضو لازم‌الاتباع تلقی می‌شود، اتخاذ سیاست تقنین بر اساس سیاست‌های سند توسعه یونسکو می‌باشد. مطابق این اصل تمامی قوانین کشوری که متعهد به این سند می‌باشند باید سیاست‌ها و برنامه‌های کلان خود را به نحوی تغییر دهند که مطابق و همسو با سیاست‌های کلی یونسکو باشد. این امر در عبارات و بندهای متعددی در سند ۲۰۳۰ ذکر شده است و کشورهایی که این سند را پذیرفته‌اند متعهد شده‌اند که تا اهداف جهانی را در اهداف، سیاست‌ها، طرح‌ها و اقدامات ملی چرخه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی نظام‌های آموزشی و آماده‌سازی منابع خود ادغام کند. تمامی کشورهای عضو ملزم هستند که تقنین و سیاست‌های خود را به نحوی تنظیم کنند که علاوه بر اینکه ساختارهای خود را در نظام آموزشی و تقنین حفظ می‌کنند، سیاست‌های کلی سند ۲۰۳۰ را نیز در برنامه‌های خود ادغام کنند.

^۶ به عنوان مثال آیت الله مکارم شیرازی به عنوان یکی از مراجع تشیع این سند را سندی استعماری معرفی کرده است. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی، <http://www.makarem.ir/>؛ و یا آیت الله خامنه‌ای هم به عنوان رهبر جمهوری اسلامی و هم به عنوان یکی از مراجع تشیع در خصوص این سند در بیانات خود تصریح می‌کنند که در این سند موضوع استقلال جامعه اسلامی هم علاوه بر سایر مشکلاتی که دارد مدنظر است و کشورهای غرب با تصویب این سند در صدد این هستند که استقلال کشور های اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران را زیر پا بگذرانند. بیانات معظم له در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۷/۰۳/۱۳۹۶، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، <http://farsi.khamenei.ir/>

تمامی این بیانات و اظهار نظر ها موید این مدعاست که این سند و محتوای آن در میان اندیشمندان تشیع مورد بحث و بررسی قرار گرفته شده است و در غیر این صورت به صریحت در خصوص رد آن نظر داده نمی‌شد.

^۷ در متن آموزش ۲۰۳۰ حداقل ۲۳ بار در صفحات ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۴، ۵۷، ۶۳، ۶۷، ۷۲ و ۷۳ از تعهد کشورها به انجام اقدامات مختلف یاد شده است.

اگرچه اهداف این سند، در ظاهر اهدافی زیبا و بشردوستانه تلقی می‌شوند و نهایت آمال و آرزوهای بشر محسوب می‌شوند، اما باید توجه داشت تمامی دولت‌ها و ملت‌ها درصدد برخورد با فقر و بی‌سوادی هستند و هیچ دولت و کشوری نیست که در برنامه خود ترویج فقر را داشته باشد ولی احترام به تمامیت کشورها در قوانین بین‌المللی مهم‌ترین وظیفه تدوین‌کنندگان قوانین بین‌المللی می‌باشد.

این نکته اولین محل اختلاف و تعارض سند ۲۰۳۰ با قواعد اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی می‌باشد. دو اصل اول و دوم قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی را یک نظام مکتبی معرفی کرده‌اند و در اولین اصل از قانون اساسی مکتب اسلام به‌عنوان مکتب مقبول مردم ایران معرفی شده است و در اصل دوم به پایه‌ریزی و تبیین مبانی این مکتب پرداخته شده است. در ادامه قانون‌گذار در اصل^۹ چهارم به‌صراحت می‌گوید باید مطابق قوانین اسلامی باشد.

^۸. اصل اول: حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸٪/۲ کلیه کسانی که حق رای داشتند، به آن رای مثبت داد.

^۹. اصل دوم: جمهور اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم

تسلیم در برابر امر او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریع.

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه:

الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین،

ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب

پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،

ج- نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کنشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

^{۱۰}. اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.

این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

اسلامی بودن قوانین مصوب در جمهوری اسلامی ایران به اندازه‌ای از اهمیت بوده است که در متن قانون اساسی نهادی فراقوه‌ای برای نظارت به این امر اختصاص داده شده است. ذیل اصل چهارم قانون اساسی نهادی به نام شورای نگهبان برای نظارت بر اسلامی بودن قوانین مصوب ایجاد شده است.

اصول دیگری از قانون اساسی هم به این موضوع پرداخته‌اند. اصل‌های هفتاد و دوم، نود و یکم، نود و چهارم و نود و ششم قانون اساسی، به بیان مأخذ و منبع ناظر بر قوانین و مقررات حاکم در نظام جمهوری اسلامی ایران از حیث لزوم ابتدای آنان بر اساس شریعت اسلام پرداخته شده‌اند که به جهت جلوگیری از تطویل کلام از بیان آن‌ها پرهیز می‌کنیم.

از تمام آنچه که بیان شد می‌توان به یقین گفت شریعت در اندیشه تقنینی اسلام نقشی اساسی دارد و مطابق همین آموزه‌های اسلامی اعم از حدیث علّو، آیه نفی سبیل و غیره اندیشه اسلام و به تبع آن تقنین در جمهوری اسلامی به هیچ عنوان حاکمیت نهادی غیرمسلمان را نمی‌پذیرند.

این در حالی است که مطابق سند ۲۰۳۰ در صورت پذیرش این سند به عنوان یکی از اسناد لازم‌الاجرا در جمهوری اسلامی ایران، قوانین اسلامی که متخذ از منابع شریعت هستند باید کنار گذاشته شده و به حاشیه کشیده شوند و این سند که زاده دست بشر بوده و توسط مجامع غیرمسلمان پا به عرصه وجود گذاشته است باید محور قرار گیرد که دقیقاً در تضاد صریح با مفاد حدیث شریف علّو می‌باشد. آنچه که از حدیث شریف علّو برداشت می‌شد و در قسمت قبلی از همین مقاله بدان اشاره شد، استقلال نظام اسلامی و عدم وابستگی به هیچ دولت و ملت غیرمسلمان است. علت این امر اعتلای اسلام و مسلمانان است ولی در صورتی که بنای دولت اسلامی بر این باشد که برنامه‌های خود را با یک سند مصوب کشورهای غیر اسلامی و با مؤلفه‌های غیر اسلامی تطبیق بدهد، آموزه‌های اصیل اسلام که هدیه الهی برای تمامی بشر است به فراموشی سپرده می‌شود که این امر برخلاف تمامی آموزه‌های اندیشه تشیع می‌باشد که یکی از آن‌ها همان حدیث شریف علّو است.

عدم تبعیت از غیرمسلمان برای مسلمان در ادله بسیاری بیان شده است. به نحوی که در میان فقهای امامیه در این خصوص قاعده‌ای با نام قاعده نفی سبیل در این خصوص وضع شده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۹۳). این قاعده در فقه به عنوان ضابطی در تعیین روابط میان مسلمانان و غیرمسلمانان محسوب می‌شود که حافظ استقلال و عزّت و شرافت جامعه اسلامی است. این قاعده مناسبات جوامع اسلامی و غیر اسلامی را در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره را تعیین می‌کند و با اجرای مفاد این قاعده هرگونه تسلط و برتری غیرمسلمانان بر امت اسلام نفی می‌شود که مراعات آن متضمن حفظ استقلال و عزّت جامعه اسلامی خواهد بود. باید توجه داشت که این قاعده به جز

^{۱۱} اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.

این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

حدیث شریف علّو، مستندات دیگری از جمله آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء دارد که در کتب فقها به صورت مبسوط بیان شده است.

۲-۱-۲. مخالفت با نهادهای داخلی جمهوری اسلامی

اشکال دیگری که به سند ۲۰۳۰ وارد می‌شود، مخالفت صریح این سند با نهادهای داخلی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در این سند بارها از عباراتی همانند مبارزه و نفی خشونت و ترویج صلح استفاده شده است. این عبارت در ظاهر خود یک هدف عالی و بی‌نقص محسوب می‌شود و همانند ادیان الهی زندگی‌ای آرمانی را به بشر نشان می‌دهد. زندگی‌ای که همواره آرزوی انسان بوده است. این سند در حالی به تصویب رسید که دنیا دو جنگ جهانی و جنگ‌های فرامنطقه‌ای عدیده‌ای را پشت سر گذاشته بود. جنگ ویتنام، کشتار مسلمانان توسط صربستان، جنگ عراق و افغانستان، جنگ تحمیلی ایران و خشونت‌های قاره آفریقا تنها نمونه کوچکی از خشونت‌هایی بوده که در طول دهه‌ها بشر شاهد آن بوده است در نهایت باید گفت هیچ نقطه‌ای از دنیا نبوده که از طاعون جنگ مصون مانده باشد. در همین راستا بشر برای مبارزه با بزرگ‌ترین معضل دنیای مدرن، صلح را به بزرگ‌ترین آرزو و ارمغان تبدیل کرده است و سازمان ملل متحد این وظیفه را برعهده گرفته است. (ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد)

در تمام دنیا هیچ بشری وجود ندارد که منکر زشتی جنگ و زیبایی صلح و آرامش باشد. هیچ انسانی نیست که خواهان جنگ و خونریزی و قتل و غارت باشد و صلح از اموری است که تمامی افراد بشر فارغ از نوع و نژاد بر مطلوبیت آن اتفاق نظر دارند. در سند ۲۰۳۰ هم به کرات به موضوع نفی خشونت و ترویج صلح پایدار اشاره شده است که در ظاهر می‌تواند از نقاط قوت این سند بین‌المللی باشد (بندهای هفتم، هشتم، چهاردهم، سند ۲۰۳۰).

اما باید توجه داشت این سند و عبارات آن توسط نهادهای بین‌المللی و غیرمسلمان به تصویب رسیده است و کسانی عهده‌دار تصویب آن بوده‌اند که خود در جهان سردمدار بزرگ‌ترین جنگ‌ها و خونریزی‌ها بوده‌اند و در هر قانون و عهدنامه‌ای جز منافع خود را لحاظ نمی‌کنند و از همین رو باید قبل از اینکه گول ظاهر زیبا و دل‌فریب این دسته از شعارها را بخوریم، متوجه باشیم که با چه پیشینه‌ای دست به وضع این سند زده‌اند.

این سند، راهبرد و مدیریت به عهده کشورهای پیشرفته قرار داده شده است و این کشورهای پیشرفته غربی هستند که سیاست‌های کلی را در این سند برای سایر کشورها تنظیم می‌کنند و سایر کشورها عملاً باید تمامی سیاست‌ها گذشته خود را کنار گذاشته تابع بی‌چون و چرای این دسته از کشورها شوند. این در حالی است که کشورهای

^{۱۲} سوره نساء (۴)، آیه ۱۴۱: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمُ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنُمْنَعُكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ منافقان آنانی هستند که نگران و مراقب حال شما نیستند، چنانچه برای شما فتح و ظفری پیش آید (برای اخذ غنیمت) گویند: نه آخر ما با شما بودیم؟! و اگر کافران را فتح و بهره‌ای رسد به آنها گویند: نه ما شما را به اسرار مسلمانان آگاه کردیم و شما را از آسیب مؤمنان نگهداری نمودیم؟! پس خدا فردای قیامت میان شما و آنان حکم کند و خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود.»

پیشرفته دنیا عملاً سازمان‌های بین‌المللی را به نهادهایی تبدیل کرده‌اند که در راستای سیاست‌های خود گام بردارند.

یکی از اقداماتی که سازمان‌های بین‌المللی و کشورهایی که مطابق این سند رهبری کشورهای دیگر را برعهده دارند، تعیین سازمان‌ها و گروه‌هایی است که نقش ایجاد خشونت در جهان را دارند. این اصل در ظاهر می‌تواند در رفع خشونت و تبعات منفی آن در جهان نقش مؤثری را ایفا کند؛ اما کشورها با این اقدام عملاً سوءاستفاده‌های سیاسی کرده و صرفاً منافع خود را در آن مدنظر قرار داده‌اند نه اقدامات حقیقی نهادها و گروه‌های حامی خشونت و تروریست. یکی از رفتارهایی که دولت‌های غربی به سرکردگی آمریکا انجام داده‌اند، قرار دادن سازمان‌های دولتی و حکومتی ایران در این لیست می‌باشد مانند مصوبه‌ای که به‌موجب آن سپاه پاسداران را جزو سازمان‌های تروریستی و حامی خشونت قرار دادند.

اقدامات دولت‌های غربی و علی‌الخصوص آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران منحصر به تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نبوده است و این دسته از کشورهایی که در سند ۲۰۳۰ تصریح به رهبری آنان بر سایر کشورهای جهان شده است، از دیرباز با جبهه مقاومت دشمنی دیرینه داشته‌اند.

پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ش، دولت ایالات‌متحده آمریکا، برخی کشورها، سازمان‌ها و دادگاه‌ها جمهوری اسلامی ایران را به دست داشتن در اقدامات تروریستی یا حمایت از گروه‌های تروریستی متهم و یا محکوم کرده‌اند. البته باید توجه داشت این اقدام منحصر در ایالات‌متحده نبوده و کشورهای دیگر هم به‌نوبه خود اقداماتی در راستای محکومیت‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران انجام داده‌اند.

باید توجه داشت اقدامات دولت‌های غربی در راستای مبارزه با جریان‌های جبهه مقاومت منحصر در جمهوری اسلامی ایران نبوده است و این دولت‌ها، گروه‌های مختلفی از جمله حزب‌الله لبنان، حماس فلسطین و چند گروه دیگر را نیز در لیست سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی قرار داده‌اند. حتی اقداماتی که سال‌های اخیر توسط دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران در جهت صلح جهانی انجام شده است نیز نتوانسته از فشار این رفتارها بکاهد و وزارت خارجه ایالات‌متحده در روز پنجشنبه ۲ ژوئن ۲۰۱۶ در گزارش سالانه خود درباره تروریسم جهانی اعلام داشت، حکومت

^{۱۳} در متن آموزش ۲۰۳۰ حداقل ۲۳ بار در صفحات ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۴، ۵۷، ۶۳، ۶۷، ۷۲ و ۷۳ از تعهد کشورها به انجام اقدامات مختلف یاد شده است اگرچه در متن سند به موضوعاتی همچون احترام به حقوق ملت‌ها و حفظ استقلال نیز اشاره شده است اما در کنار آن برتری کشورهای دیگر و نهادهای بین‌المللی که عملاً در اختیار چند کشور خاص می‌باشد.

^{۱۴} . Trump Designates Iran's Revolutionary Guards a Foreign Terrorist Group- <https://www.nytimes.co>

^{۱۵} به عنوان مثال در قطعنامه ۱۰۸۳ شورای امنیت، هیچ کدام از متحدین ایران به این قطعنامه رای منفی نداده و از تحریم ایران حمایت کردند. حتی چین و روسیه که دارای روابط گسترده با ایران بودند نیز از تحریم ایران استقبال کردند. پورتال شورای امنیت سازمان ملل متحد، http://www.un.org/Docs/sc/unsc_resolutions.htm

ایران با وجود رسیدن به توافق جامع با قدرت‌های جهانی بر سر برنامه هسته‌ای خود، همچنان اصلی‌ترین کشور حامی تروریسم در جهان است.

این اقدامات ادامه داشت تا جایی که ایالات متحده به صورت رسمی در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که ایران همچنان در رأس کشورهای حامی تروریست قرار دارد. این در حالی است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی^۱ ایران یکی از مهم‌ترین نهادهای انقلاب اسلامی ایران است. تشکیل این نهاد به اولین روزهای تولد انقلاب اسلامی باز می‌گردد. در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، بنا به فرمان حضرت امام خمینیه به جوانان غیور و انقلابی ایران اسلامی، عده‌ای از دل‌سوختگان راستین و پیروان صدیق ولایت فقیه گرد هم جمع شدند و نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پی‌ریزی کردند. پس از مدتی حضرت امام خمینیه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ طی فرمانی به شورای انقلاب، رسماً تأسیس نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را اعلام کردند و شورای انقلاب نیز با تأسیس شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گامی اساسی در جهت سازمان‌دهی این نهاد انقلابی برداشت. در اولین اطلاعیه سپاه، وظایف کلی آن چنین عنوان شده است: کمک به اجرای امور انتظامی و امنیتی، مبارزه مسلحانه علیه جریان‌های ضدانقلاب، دفاع در برابر حملات داخلی و خارجی، همکاری و هماهنگی با نیروهای مسلح نظام اسلامی، تربیت و آموزش اخلاقی و ایدئولوژیکی - سیاسی و نظامی کادر سپاه و... . اگرچه سپاه هویتی نظامی دارد، اما نظامی‌گری در واقع یک بُعد از ابعاد این نهاد مکتبی است. سپاه نهادی نظامی در جهت اهداف و آرمان‌های والای انقلاب اسلامی است که حفاظت و نگهداری از نظام و حکومت اسلامی مهم‌ترین رکن آن را تشکیل می‌دهد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در افقی فرازمند، دارای آرمان‌های مکتبی، انسانی و جهان‌شمول است که باید همیشه حرکت خود را به آن سو جهت دهد.

تشکیل نهادهای نظامی و غیر آن ریشه در اندیشه اصیل اسلامی دارد و این آیین به همه مسلمانان دستور می‌دهند که خود را در مقابل دشمنان تقویت کنند. باید گفت این تقویت نیز یکی از آموزه‌های اندیشه اسلام در مقابل نمادهای کفر و شرک است که از مضامین حدیث علّو می‌باشد چرا که در این حدیث به تقویت جامعه اسلامی دستور داده شده است و این تقویت در هر زمینه‌ای ممکن است صورت بگیرد. البته تقویت قوای نظامی در اندیشه اسلام، به معنای جنگ‌طلبی این اندیشه نمی‌باشد.

باید توجه داشت که بی‌شک اگر دنیا از ظالمان توسعه‌طلب و تجاوزکاران زورگو خالی می‌شد هیچ نیروی نظامی برای حفظ مرزهای کشورها مورد نیاز نبود و تمام مردم دنیا در کشورهای خود، در امن و امان می‌زیستند و با یکدیگر روابط تجاری و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی سالم داشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۱)

^۱ «Fact Sheet: Designation of Iranian Entities and Individuals for Proliferation Activities and Support for Terrorism.»

^۲ Country Reports on Terrorism 2016

لیکن خوی برتری‌جویی و تجاوزگری که گاه در افراد و گاه در یک قوم و ملیت وجود دارد؛ غالباً سبب هجوم فرد یا قومی بر قوم دیگر یا ملتی بر ملت دیگر شده است؛ و در چنین شرایطی همه حق دارند که خود را چنان قوی کنند که در امنیت زندگی داشته باشند؛ چرا که در نظام کنونی دنیا متأسفانه ضعیف پامال است؛ و همین امر «فلسفه تشکیل نیروهای مسلح و قوای دفاعی را روشن می‌کند». (همان)

هم‌چنین برای قوم و ملتی که حامل فرهنگی هستند؛ و فضای آزادی را می‌طلبند که فرهنگ خود را در میان مردم جهان تبلیغ کنند؛ به دست آوردن این فضای آزاد بدون تکیه بر قدرت غالباً امکان‌پذیر نیست و این فلسفه دیگری برای تشکیل قوای مسلح است. (همان، ص ۲۹۳).

لازم به ذکر است اسلام در تقویت بنیه دفاعی به وضع یک اصل کلی دست‌زده و مصداق و نوع سلاح و تاکتیک را معین نمی‌کند بلکه مسلمانان را به آمادگی کامل خود، برای دفاع از خویش فرا می‌خواند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۱) لذا در قرآن می‌خوانیم: «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها [دشمنان] آماده سازید!».

آموزه‌های فقهی در خصوص تقویت بنیه دفاعی منحصر در این آیه شریفه نیست. حدیث شریف علّو به‌صراحت استقلال جامعه اسلامی و هرگونه وابستگی به دولت‌های غیر اسلامی که منجر به تسلط آنان بر جوامع مسلمان شود را نفی کرده است. این در حالی است که در سند ۲۰۳۰ به‌صراحت ذکر شده است که رهبری و مدیریت بر تمامی کشورهای دنیا بر عهده چند کشور غربی است که به‌کرات سوءنیت و دشمنی خود با تمامی دنیا را نشان داده و تمامی سازمان‌ها و محافلی که اقدامی در راستای صلح در دنیا انجام داده باشند را به برجسب تروریسم، خشونت بار معرفی کرده و منحل شده اعلام می‌کند.

در صورتی که کشورهای دنیا بخواهند به این سند پای بند باشند باید تمام و کمال تمامی اختیارات دفاعی و نظامی خود را عملاً در اختیار چند کشور غربی قرار دهند که مبدا این دسته از دولت‌مداران در راستای سیاست‌ها و منافع خود دست به تروریسم انگاری آنان و سازمان‌های وابسته به آنان نزده و حق‌و حقوق قانونی آنان را منع نکنند. در صورتی که دولت اسلامی بخواهد به این سند متعهد شود، نه‌تنها باید سازمان‌هایی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت دفاع و غیره را به تعطیلی بکشاند، بلکه عملاً باید تمامی نهادهای نظامی خود را در اختیار دولت و کشورهایی قرار دهد که عملاً در طول جنگ تحمیلی با حمایت همه‌جانبه از عراق، در به خاک و خون کشیدن مردم این مرز و بوم کم از صدام نداشته و شریک تمامی جنایات وی بوده اند اگرچه در صحنه جنگ تحمیلی، صدام تنها کسی بود که به‌صورت رو در رو با جمهوری اسلامی اعلان جنگ کرد، اما باید توجه داشت که صدام هرگز بدون حمایت همه‌جانبه غرب موفق نمیشد حتی یک وجب از خاک ایران را به تصرف خود در آورد در سطح منطقه‌ای، کشورهای عربی منطقه به‌صورت جداگانه و یا در قالب شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب کمک‌های مادی و

^{۱۸}. سوره انفال (۸)، آیه ۶۰: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید و نیز برای قوم دیگری که شما بر (دشمنی) آنان مطلع نیستید (مراد منافقاند که ظاهراً مسلم و باطنا کافر محض‌اند) و خدا بر آنها آگاه است؛ و آنچه در راه خدا صرف می‌کنید خدا تمام و کامل به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد.»

معنوی زیادی را در اختیار عراق قرار دادند. اتحادیه عرب با آغاز جنگ به دو جبهه حامیان ایران و حامیان عراق تقسیم شد. در حالی که اکثر کشورهای عرب به رهبری اردن، عربستان سعودی و مصر از عراق حمایت می کردند، گروهی دیگر از کشورهای عربی یعنی سوریه، لیبی و الجزایر و یمن جنوبی جانب ایران را گرفتند. جنگ تحمیلی در شرایطی به وقوع پیوست که نظام دو قطبی بر نظام بین الملل حاکم بود و موضع آمریکا و شوروی نیز بر حمایت از عراق استوار بود.

جنگ تحمیلی در شرایطی به وقوع پیوست که نظام دو قطبی بر نظام بین الملل حاکم بود و موضع آمریکا و شوروی نیز بر حمایت از عراق استوار بود. حمله نظامی به سکوها نفتی ایران توسط ناوهای آمریکایی، حمله ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس که منجر به شهادت تمامی ۲۹۶ سرنشین این هواپیما شد،^۱ تنها بخشی از جنایات دولت ایالات متحده بوده است که به صورت رسمی توسط این دولت علیه مردم جمهوری اسلامی ایران انجام شده است.

موافقان تصویب و اجرای سند ۲۰۳۰ در حقیقت خواهان این امر هستند که تمامی ارکان و امور نظامی کشور ما در دست چنین افرادی باشد. کسانی که در طول ۸ سال جنگ تحمیلی سوءنیت خود را به کرار نشان داده و اثبات کرده اند که به جز منافع خود در پی امر دیگری نیستند و برای رسیدن به آن از هیچ اقدامی فروگذار نیستند حتی اگر به کشتار زنان و کودکان منجر شود!

مضمون حدیث شریف در حقیقت اشاره به همین مضمون دارد؛ چرا که با تسلط کفار بر جامعه اسلامی، نتیجه ای جز چپاول اموال مسلمانان و قتل و غارت باقی نمی ماند و در صورتی که به مضامین این دسته از ادله عمل شود، جز بر عزت و اقتدار جامعه اسلامی افزوده نمی شود. این دستور از جانب خداوندی صادر شده است که خود را ارحم الراحمین توصیف کرده است و دستورات خود را صرفاً برای هدایت و کمال انسان صادر کرده و در عین حال عالم ترین افراد به ذات و نیازهای انسان می باشد. از همین رو دستورات وی کامل ترین دستورات برای نیاز انسانها می باشد.

از منظر اندیشه اسلام، دستورالعمل هایی نظیر سند ۲۰۳۰ که جوامع انسانی برای تکامل زندگی بشر وضع کرده اند یا قوانینی که توسط مجامع داخلی هر کشوری به عرصه اجرا می رسد می تواند برای مردم لازم الاجرا باشد و نیازی نیست که هر قانون و عبارتی در اندیشه اسلام به عینه و در مورد هر مصداقی به شخصه وارد شده باشد که مورد تایید اندیشه اسلام باشد، چرا که موضوعات و مصادیق در هر لحظه و هر زمان متغیر بوده و به فراخور زمان و اندیشه و فرهنگ ها متفاوت هستند. در هر دوره و زمان، مردمان برای زندگی متعارف خود می توانند اقدام به تقنین کنند. در این زمینه اسلام به عنوان یک مکتب سیاسی دستورات کلی ای دارد که مقنن در نظام اسلامی باید توجه کند که قوانین موضوعه با این اصول کلی تعارض نداشته باشد که یکی از این اصول کلی، برتری اسلام و حفظ استقلال جامعه

^۱ Nancy J, 2007, PP77.

اسلامی بر جوامع و ملل غیرمسلمان است که مفهوم و مقتضای حدیث شریف علّو می‌باشد. (ر ک: انصاری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۹)

با توجه به آنچه که بیان شد، مقتضای سند ۲۰۳۰ اگرچه در ظاهر امر به مفاهیم زیبا و دلفریبی اشاره دارد، اما در صورت پذیرش و التزام به اجرا توسط حکومت‌های مسلمان، علی‌الخصوص نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، تبعاتی که از آن ناشی می‌شود می‌تواند فاجعه بار باشد و از جنبه‌های مختلف این سند در حقیقت پایه‌ها و ارکان کشورهای اسلامی را موردتوجه قرار داده است و درصدد این است که کشورهای اسلامی را به کلی وابسته به دولت‌های غربی کند که این امر در تضاد کلی با مفهوم ادله و مبانی ای است که در مفاهیم اسلامی وارد شده است که یکی از آنها حدیث شریف علّو می‌باشد. از همین رو هم تصویب و هم متلزم شدن به اجرای این سند نه می‌تواند منافع جمهوری اسلامی ایران را تضمین کند که با اجرای قانون اهم و مهم و رعایت مصلحت جمعی قابل قبول باشد و از سوی دیگر موجب تسلط و برتری جوامع غیرمسلمان بر مسلمانان شود که دقیقاً در تضاد با مفهوم حدیث شریف علّو می‌باشد.

نتیجه‌گیری

جهان در دوره ای به سر می‌برد که مشکلاتی نظیر فقر، جنگ، بی‌سوادی و غیره در تمامی گوشه و کنار جهان وجود دارد و بشر برای برون رفت از معضلات پیش روی خود ناچار به اتحاد و کنار گذاشتن اختلافات است. در این میان نقش مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل و سازمان‌ها و نهادهای زیر مجموعه آن، از همیشه بیشتر است. تدوین اسناد بین‌المللی برای ایجاد عزم و وحدت جهانی یکی از بهترین اتفاقات قرن اخیر است. هیچ کدام از آموزه‌های اسلام نافی چنین وحدتی نیست؛ اما زمانی که سازمان‌های بین‌المللی که برای ایجاد وحدت جهانی تشکیل شده‌اند، مقاصد سیاسی پیش گرفته و برای منافع دولت‌های خاصی قدم بردارند، یا در تدوین برنامه‌ها و سندهای پیش رو، سیاست‌های از پیش تعیین شده ای را مد نظر قرار دهند، اسلام به‌عنوان سیاست‌گذار در تمامی ابعاد زندگی یک فرد مسلمان، اجازه تعدی به حقوق جامعه مسلمان را به غیرمسلمانان نمی‌دهد بلکه با ادله‌ای همچون حدیث علّو برای حاکم اسلامی مشخص کرده است که در تدوین روابط بین‌المللی با کشورها و سازمان‌های غیرمسلمان باید به نحوی عمل کند که اقتدار و عزّت جامعه اسلامی حفظ شود. سند ۲۰۳۰ هم از این قاعده مستثنی نبوده و در تدوین آن اگرچه نقاط روشنی برای پایان دادن به سیاهی‌های فقر و بی‌سوادی به چشم می‌خورد اما مقاصد و سیاست‌های دولت‌های غربی به علت تضاد آن با آموزه‌های اندیشه اسلام از جمله حدیث شریف علّو، مانع از این می‌شود که بتوان این سند را به‌عنوان چشم انداز طولانی مدت برای یک کشور اسلامی پذیرفت.

منابع

۱. أبی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمّی [الشیخ الصدوق]، من لا یحضره الفقیه، المحقق: علی اکبر الغفّاری، نشر صدوق، جلد ۴، چاپ دوم، محل چاپ: تهران، ۱۳۶۷.
۲. موسوی بجنوردی، محمد، قواعد فقهیه، نشر صدوق، محل چاپ: تهران، بی تا.
۳. أبو الحسن علی بن عمر بن أحمد بن مهدی بن مسعود بن النعمان بن دینار البغدادی الدارقطنی، سنن الدارقطنی، حققه وضبط نصه وعلق علیه: شعیب الارنؤوط، حسن عبد المنعم شلبی، عبد اللطیف حرز الله، أحمد برهوم، انتشارات دار الفکر، ج ۲، چاپ پنجم، محل چاپ: بیروت، ۲۰۰۴م.
۴. محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم وسننه وأیامه = صحيح البخاری، المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، ناشر: جمهوریة المصر العربیة، ج ۲، چاپ نهم، محل چاپ: قاهره، ۱۴۱۱.
۵. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ناشر: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ج ۱۷، چاپ دوم، محل چاپ: بیروت، ۱۴۰۸.
۶. حرعاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محقق: حسینی جلالی، محمد بن حسن، محقق: موسسه آل البيت (علیهم السلام) الحیاء التراث، ناشر: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ج ۲۶، محل چاپ: قم، ۱۴۱۶.
۷. نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، ناشر: موسسه البعثه، قسم الدراسات الاسلامیه، ج ۵، محل چاپ: تهران، ۱۴۱۲.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم و شارح: رسولی، هاشم، مترجم و شارح، مصطفوی جواد، ناشر: انتشارات اسلامیة، ج ۱، محل چاپ: تهران، ۱۳۶۹.
۹. انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب، انتشارات اسماعیلیان، ج ۱۰، چاپ یازدهم، محل چاپ: قم، ۱۳۹۰.
۱۰. خمینی، روح الله، کتاب البیع، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینیر، ج ۲، محل چاپ: تهران، ۱۳۶۸.
۱۱. الحسینی، السید میر عبد الفتاح، العناوین الفقهیة، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ج ۲، چاپ دوم، محل چاپ: قم، ۱۴۱۷.
۱۲. عمیدزنجانی، عباسعلی، قواعد فقه: بخش حقوق خصوصی، انتشارات سمت، ج ۱، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۹۳.
۱۳. موسوی بجنوردی، محمد، قواعد فقهیه، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینیر، ج ۱، چاپ ششم، محل چاپ: تهران، ۱۳۹۶.
۱۴. الحسینی، السید میر عبد الفتاح، العناوین الفقهیة، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ج ۲، چاپ دوم، ۱۴۱۷، ص ۳۵۲.
۱۵. ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیة، ناشر: مکتبه الرضویه، ج ۲، چاپ سوم، محل چاپ: تهران، ۱۳۸۷.
۱۶. علی دوست، ابوالقاسم، قاعده نفی سییل، مقالات و بررسیها، شماره ۷۶، ۱۳۸۳. پرتال جامع علوم انسانی، <http://ensani.ir>

۱۷. بهرامی، قدرت الله، امام خمینی از دیدگاه مقام معظم رهبری، ناشر: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، مرکز تحقیقات اسلامی، محل چاپ: تهران، ۱۳۸۷.
۱۸. عبدالله ابراهیمزاده، حاکمیت دینی، انتشارات زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع)، چاپ سوم، مکان چاپ: تهران، ۱۳۸۵.
۱۹. موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ، قواعد فقهیه، انتشارات اسماعیلیان، ج ۱، چاپ اول، محل چاپ: قم، ۱۴۱۹.
۲۰. کمیسیون ملی یونسکو- ایران، آموزش ۲۰۳۰، به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه «چارچوب عمل ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو-ایران، تهران، ۱۳۹۵.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از فضلا، پیام قرآن: روش تازه ای در تفسیر موضوعی قرآن، ناشر: انتشارات دار الکتب اسلامی، ج ۱۰، چاپ هشتم، محل چاپ تهران، ۱۳۸۸.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تنظیم، حامدی، محمد رضا، اسلام در یک نگاه، ناشر: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ چهارم، محل چاپ: قم، ۱۳۸۵.
۲۳. انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الاصول، اعداد: لجنه التحقیق تراث الشیخ الاعظم، ناشر: مجمع الفکر الاسلامی، ج ۲، چاپ هشتم، محل چاپ: قم، ۱۳۸۵.
۲۴. پرتال دفتر سازمان ملل متحد در ایران - تهران، <https://un.org.ir/fa>
۲۵. پرتال مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد - تهران، <http://www.unic-ir.org>
۲۶. پرتال خبرگزاری تسنیم، <https://www.tasnimnews.com>
۲۷. پرتال رسمی وزارت آموزش و پرورش، <https://medu.ir>
۲۸. پورتال شورای امنیت سازمان ملل متحد، <http://www.un.org>
۲۹. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی، <http://www.makarem.ir>
۳۰. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله سیدعلی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، <http://farsi.khamenei.ir>

۳۱. technical report by the Bureau of the United Nations Statistical Commission (UNSC) on the process of the development of an indicator framework for the goals and targets of the post-2015 development agenda – working draft

۳۲. Nancy J. Cook, "Stories of Modern Technology Failures and Cognitive Engineering Successes", CRC Press, 2007, PP77.